



گرانی بی سابقه و ادعاهای مرکز جعل آمار در ایران

نرخ تورم ماهانه اردیبهشت ۱۴۰۱ نیز به ۵ / ۳ درصد رسیده که در مقایسه با همین اطلاع در ماه قبل، ۲ / ۰ درصد افزایش داشته است. اگر بخواهیم صرفاً ادعاهای جعلی مرکز آمار را در مورد افزایش نرخ تورم در اردیبهشت ماه مدنظر قرار دهیم، این واقعیت برکسی پوشیده نیست که در اردیبهشت ماه سال جاری عموماً کالاها و خدمات و نه فقط کالاها و خدمات موردنیاز روزمره مردم ایران، چنان افزایشی

در صفحه ۳

مرکز آمار جمهوری اسلامی با وقاحت تمام اعلام کرد که نرخ تورم در یک سال گذشته کاهش یافته و افزایش نرخ تورم در اردیبهشت ماه نیز در مقایسه با فروردین ماه سال جاری رشدی ناچیز داشته است. به گزارش ایسنا به نقل از مرکز آمار، نرخ تورم سالانه با کاهش ۵ / درصدی به ۷ / ۳۸ درصد رسیده است. نرخ تورم نقطه‌ای اردیبهشت ماه ۱۴۰۱ در مقایسه با ماه قبل ۷ / ۳ درصد افزایش یافته است.

سناریوسازی، سرکوب و تکان‌های ناگزیر اجتماعی

سناریوی ساختگی دولت رسوای جمهوری اسلامی و وزارت اطلاعات آن علیه معلمان و کارگران یکی از همین اقدامات است. اقدامی که بیانگر عجز و زبونی رژیم است که در بن‌بستی مرگبار و بی‌گریز گرفتار آمده است. علی‌رغم تلاش رژیم و صداوسیما آن و روزی‌نامه‌هایی از نوع کیهان شریعتمداری برای واقعی جلوه داده این دروغ که دو معلم تبعه فرانسه به‌عنوان "جاسوس" همراه با فعالان تشکل‌های معلمان و کارگران درصدد "ایجاد آشوب و بی‌ثبات‌سازی" جامعه بوده‌اند و به‌رغم اینکه از قول دو معلم بازداشت‌شده فرانسوی

در صفحه ۸

ارتجاع هار حاکم، بی‌اعتنا به خواست‌های کارگران و زحمتکشان، برخوردهای قهرآمیز و اعمال قهر و خشونت علیه مردم را تشدید کرده است. این قطار قراضه‌ای از نفس افتاده، در شیب تند سرازیری سقوط، به آخر خط نزدیک و نزدیک‌تر شده است. رژیم حاکم، غریب گرفتار سیلی است که برای نجات، به هر وسیله‌ای چنگ می‌زند تا خود را از خطر مرگ برهاند. مهم نیست اقدام رژیم و خس و خاشاک که برای نجات از مهلکه به آن می‌آیزد تا چه حد مؤثر است، مهم اما این است که خطر هلاکت، غریب را وامی‌دارد به هر وسیله‌ای چنگ اندازد و به هر اقدامی دست بزند.

بن بست جمهوری اسلامی در سخنان خامنه‌ای

حتا کلمه‌ای از این نگفت که درست چهل سال پس از "آزادی" خرمشهر، حکومتی که او بیش از سی سال در راس آن قرار دارد برای این مردم چه ارمانی داشته است، او نگفت که آبادان مریض است و خرمشهر حال خوبی ندارد، او نگفت که خوزستان نه آب دارد نه هوا و کارون خشک شده است. حتا کلمه‌ای بر زبان نیاورد، آن هم درست در همان روزی که مادران و پدران بسیاری داغدار عزیزانشان در فاجعه "متروپل" آبادان بودند. همان روزی که مردم آبادان (و مردم دیگر نقاط کشور)، با فریادی رسا، حکومت اسلامی را مقصر این فاجعه اعلام کردند. از همین رو بود که یک روز بعد و در پی انعکاس وسیع بی‌اعتنایی خامنه‌ای به فاجعه

در صفحه ۵

خامنه‌ای نه با فقر مردم کاری دارد و نه با مصیبت‌هایشان. حتا وقتی فاجعه سینما رکس آبادان این‌بار با فرو ریختن ساختمان متروپل تکرار شد، فجایی که در هر دوی آن‌ها رد پای خامنه‌ای و باند جنایتکار حاکم در وقوع‌شان آشکار است، او در سخنان طولانی‌اش در دیدار با نمایندگان مجلس اسلامی در روز چهارشنبه ۴ خرداد حتا کلمه‌ای درباره‌ی این فاجعه بر زبان نیاورد. او تنها ۳ روز بعد از وقوع این جنایت وحشتناک (۵ شنبه ۵ خرداد)، در پیامی کوتاه به خانواده داغدیدگان تسلیت گفت، پیامی که از سر ناچاری داده شده بود. او در دیدار با نمایندگان مجلس اسلامی، در حالی که سخنان‌اش را با روایت جمهوری اسلامی از بازپس‌گیری "خرمشهر" آغاز کرد،

اعتراضات آبادان جلوه دیگری از جنبش‌های توده‌ای علیه رژیم

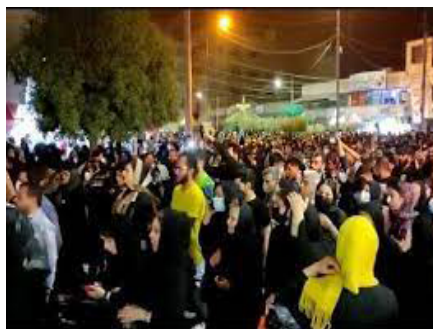


از ظهر روز دوشنبه دوم خرداد ۱۴۰۱، که ساختمان ۱۰ طبقه تجاری متروپل در آبادان فرو ریخت، مردم آبادان یکسره در اشک و ماتم و اندوه از دست دادن عزیزان خود فرو رفته‌اند. فاجعه‌ای مرگبار که در چند روز گذشته به صورت یک فریاد اعتراضی خشم‌آگین، مردم آبادان و دیگر شهرهای خوزستان را فرا گرفته است. مردمی که با سر دادن شعارهایی علیه حسین عبدالباقی- مالک ساختمان- و تبنانی‌های فسادآلود و رانت‌خواری او با مسئولان استانی و مقامات حکومتی، سوگواری و اعتراضات خود را علیه جمهوری اسلامی نشانه رفته‌اند.

آنچه را که با فروپاشی برج تجاری متروپل در آبادان رخ داد، نمی‌توان صرفاً با گفتن اینکه ماجرا یک اتفاق بوده است، جمع کرد. یا مسئله را در حد رانت‌خواری حسین عبدالباقی- مالک ساختمان- تقلیل داد. یا با دستگیری تنی چند از همدستان رانت‌خوار عبدالباقی در شهرداری آبادان و استانداری خوزستان موضوع را سرهم بندی کرد و با گذشت زمان پرونده را مختومه اعلام کرد. فروپاشی مجتمع تجاری متروپل آبادان به استناد همه شواهد و مدارک موجود، یک فاجعه و فراتر از آن، یک جنایت عمدانه بوده است. جنایتی که تا کنون جنازه دست کم ۲۹ نفر از زیر آوار بیرون کشیده شده‌اند و بر اساس آخرین اظهار نظر استانداری خوزستان دست کم ۳۸ نفر دیگر "مفقودالثر" و به عبارتی هنوز در زیر آوار باقی مانده‌اند. اما طبق گزارش شاهدان عینی در جریان فروپاشی متروپل، دههاتن از کارگران مشغول به کار بودند که

در صفحه ۲

اعتراضات آبادان جلوه دیگری از جنبش های توده‌ای علیه رژیم



به موازات هم در دو سوی این فاجعه شکل گرفت. مردم داغدار آبادان که تعدادی از عزیزان خود را در آوار شدن ساختمان متروپل از دست داده اند، از همان لحظه های اولیه با اجتماع در محل حادثه و سردادن شعار علیه حسین عبدالباقی و فساد و تبانی های "هولدینگ عبدالباقی" با مسئولان حکومتی، به درستی انگشت اتهام را به سمت جمهوری اسلامی نشان رفتند. در عوض جمهوری اسلامی بجای همدردی با مردم آبادان سرعت بخشیدن به امر امدادسانی و گسیل تجهیزات امدادی لازم برای نجات جان ده ها نفری که در زیر آوار باقی مانده بودند، به تعلل، دروغ گویی و ارسال یگان های ویژه سرکوب به محل حادثه اقدام کرد. ویدئوهایی که تا کنون در شبکه های اجتماعی پخش شده اند، حضور سنگین یگان های ویژه را نشان می دهند که با تمامی تجهیزات سرکوب به آبادان و شهرهای مجاور گسیل شده اند.

دروغ باقی، انتشار اخبار ضد و نقیض در مورد بازداشت، زنده بودن و یا مرگ حسین عبدالباقی و اطلاع رسانی قطره چکانی از تعداد جانبازان این حادثه و گسیل نیروهای ضد شورش به آبادان از جمله اقداماتی بود که مقامات قضایی و مسئولان استانی و حکومتی جمهوری اسلامی از همان ساعات اولیه بروز این فاجعه در پیش گرفتند. ویدئوهای منتشرشده نشان می دهند که در نبود نیروهای امدادی لازم، مردم با بیل و کلنگ و سطل در حال آواربرداری هستند. در واقع، شیوه ای را که جمهوری اسلامی در برخورد با این فاجعه در پیش گرفته است، همانند همان شیوه متعارف دروغ بافی و کتمان حقیقت در فاجعه سرنگونی هواپیمای اوکراینی توسط سپاه پاسداران بوده است. در این میان اما اسناد، اطلاعات و اظهار نظرهای مطرح شده جملگی گویای غیر استاندارد و ناامن بودن بی چون و چرای ساز و کار شکل گیری برج ۱۰ طبقه متروپل از آغاز تا لحظه فرو ریختن آن در روز دوم خرداد است. خصوصاً باز پخش مصاحبه حسین حافظی، خبرنگاری که یک سال پیش در مورد ساز و کار غیر استاندارد این ساختمان هشدار داده بود که برج متروپل آبادان پیش از بهره برداری فرو خواهد ریخت، که چنین هم شد. نکته قابل توجه اینجاست که بعد از فروپاشی برج متروپل و جان باختن ده ها نفر از کسانی که هنگام وقوع فاجعه در طبقات مختلف این ساختمان حضور داشتند، اکنون بخشی از دست اندرکاران دخیل در این پروژه ادعا می کنند که در صفحه ۴

در ویدئویی که از اعتراضات مردم آبادان در شامگاه روز جمعه ۶ خرداد گرفته شده است، صدای تیراندازی نیروهای سرکوب به سمت مردم سوگوار آبادان شنیده می شود. در این ویدئو، همراه با صدای شلیک گلوله به سوی مردم، صدایی بلند و ملتهب با بغضی فروخته فریاد می زند: تیر نزن! تیر نزن! تیر نزن! صدایی که همزمان عمق جنایت فروپاشیدن ساختمان تجاری متروپل آبادان را با شلیک گلوله به سوی مردم داغدار آبادان به تصویر می کشد. ویدئوی دیگری مردم معترض آبادان را نشان می دهد که در حلقه محاصره انبوه نیروهای ضد شورش قرار گرفته اند. نیروهای سرکوبگری که در دو تا سه ردیف به هم فشرده جمعیت معترض را محاصره کرده اند. ضبط این ویدئو با سکوت بهت آور جمعیت محاصره شده شروع می شود. اما در میانه بهت و سکوت اولیه معترضان، از درون جمعیت دست‌به‌اهنزار در می آید و بانگ بر می کشد، "نترسید نترسید ما همه باهم هستیم". با این صدا، فشار روانی محاصره شکسته می شود و آنگاه پرچم مشیت های گره کرده یکی پس از دیگری از فراز سر نیروهای ضد شورش به اهتزاز در می آید. جمعیت محاصره شده مشیت افشان و در حرکتی نفس گیر همه با هم فریاد می کشند، "نترسید نترسید ما همه با هم هستیم". در این ویدئو که مربوط به روز شنبه هفتم خرداد است، یکی از صحنه های بی نظیر مقاومت و ایستادگی مردم آبادان به تصویر در آمده است. تصویری بی بدیل که همبستگی، مبارزجویی و شجاعت مردم را بازتاب می دهد.

در پنجمین روز فاجعه، در اهواز به سوی مردمی که به خیابان آمده بودند تا در همدردی با سوگواران آبادان شمع روشن کنند، گاز اشک آور شلیک شد. اقدامی که خشم معترضان را برانگیخت و شعار "مرگ بر خامنه ای" در فضای اهواز طنین افکن شد. مردم ماهشهر، با شعار "می کشم می کشم آنکه برادرم کشت"، با آبادان زخمی، با آبادان سوگوار همدردی کردند. مردم خرمشهر، با شعار "خرمشهر بپا خیز برادرت کشته شد"، نسبت به فرو ریختن برج متروپل و جانباختن تعدادی از مردم آبادان واکنش نشان دادند. شاهین شهر اصفهان، با شعار "مرگ بر خامنه ای" و "آبادان آبادان حمایت می کنیم"، خشم و انزجار خود را نسبت به مسببین این فاجعه اعلام کردند. مردم امیدیه، با شعار "خوزستان به خون نشسته است" و "خوزستان، آبادان تسلیت تسلیت" به جمع شهرهای معترض پیوستند. مردم بهبهان، با شعارهای ضد حکومتی و "نترسید نترسید ما همه با هم هستیم" همدردی خود را با آبادان ابراز کردند. در اندیمشک مردم معترض با شعار "خامنه ای قاتله ولایتش باطله" به حمایت از مردم آبادان برخاستند. واکنش جمهوری اسلامی اما در همه شهرها سرکوب و بازداشت و بگیر و ببند بوده است. خاصه در آبادان که سرکوب و دستگیری ها از پنجمین شب فاجعه شدت گرفته و معترضان زیادی تاکنون دستگیر شده اند. در پی فروپاشی برج تجاری متروپل آبادان از همان لحظه های اولیه وقوع این جنایت، دو اتفاق

هنوز هیچ اطلاعی در مورد سرنوشت آن‌ها انتشار نیافته است. فاجعه ای که مردم سوگوار آبادان به درستی جمهوری اسلامی و فساد حاکم بر این نظام رانتی و مافیایی را عامل بروز آن می دانند و این امر را در روزهای اخیر با برپایی تجمعات وسیع اعتراضی و سر دادن شعارهایی نظیر "مرگ بر خامنه ای"، "مرگ بر دیکتاتور" و "جمهوری اسلامی نمی خواهیم" به خوبی نشان داده اند. اعتراضاتی که این روزها تصویر روشنی از تداوم جنبش‌های توده‌ای زحمتکشان را برای سرنگونی جمهوری اسلامی بازتاب می دهند. شهری داغدار، شهری با مردمی یکسره سوگوار که رژیم از همان آغاز بروز فاجعه به جای سرعت در ارسال نیروهای امدادسانی، یگان های ویژه ضد شورش را برای سرکوب مردم، به محل واقعه گسیل داشت.

بی دلیل نبود که خامنه ای سه روز سکوت کرد و پس از آنکه صدای اعتراضات از هر سو بلند شد، یک پیام تسلیت نیم بند برای مردم سوگوار آبادان فرستاد. سکوت صدا و سیما و عدم بازتاب اخبار فاجعه فرو ریختن ساختمان متروپل آبادان هم بی دلیل نیست. بی تفاوتی خامنه ای، سکوت صدا و سیما و اعتراف حمید جبلی، رئیس این نهاد به ظاهر ملی مبنی بر اینکه به او دستور داده اند که بیش از یک ساعت به موضوع پرداخته نشود، جملگی بیانگر این حقیقت است که خامنه ای بر این امر واقف است که مردم او و نظام جمهوری اسلامی را مسبب اصلی این فاجعه می دانند.

با فروپاشی برج تجاری متروپل، ابتدا مردم آبادان با حضور در محل فاجعه به عزاداری و سر دادن شعار علیه حسین عبدالباقی - مالک برج متروپل- پرداختند. اما با دخالت نیروهای سرکوبگر، اعتراض و سوگواری های اولیه آنان به سرعت به اعتراضات ضد حکومتی تبدیل شد. اعتراضاتی که به مرور از آبادان فراتر رفت، به خرمشهر رسید و پس از سه روز دیگر شهرهای دور و نزدیک آبادان را فرا گرفت. اهواز، اندیمشک، ماهشهر، بهبهان، خرمشهر، یزد، امیدیه، بندرعباس، بوشهر، شیراز و شاهین شهر اصفهان از جمله شهرهایی هستند که تا شامگاه روز شنبه هفتم خرداد در همدردی با مردم آبادان به اعتراض برخاسته و با سر دادن شعارهای ضد حکومتی عاملان این فاجعه را به چالش گرفتند. اعتراضاتی که در شامگاه روز شنبه هفتم خرداد با شعار "مرگ بر دیکتاتور" به شهر ری در منطقه جنوب تهران هم رسیده است.

"توپ تانگ فشفشه آخوند باید گم بشه"، "جمهوری اسلامی نمی خواهیم نمی خواهیم"، "خامنه ای حیا کن مملکت و رها کن"، "رهبر بی لیاقت نمی خواهیم نمی خواهیم"، "خوزستان اتحاد اتحاد"، "باقی جنایت می کنه مسئول حمایت می کنه"، "دروغ دروغه عبدالباقی نمرده"، "آبادان تسلیت تسلیت" و "مرگ بر خامنه ای"، از جمله شعارهایی بوده اند که مردم شهرهای مختلف در همدردی با آبادان علیه جمهوری اسلامی و فساد و رانت خواری حاکم بر این رژیم تبهکار و آدمکش سر داده اند.

گرانی بی‌سابقه و ادعاهای مرکز جعل آمار در ایران

داشته که حقیقتاً باید گفت، در طول تمام دوران موجودیت جمهوری اسلامی در ایران بی‌سابقه است. بهای بسیاری از کالاها در طول این یک ماه در مقایسه با فروردین سال جاری نه صرفاً چند درصد، بلکه به چند برابر افزایش یافت. در این ماه کمتر کالایی را می‌توان یافت که پائین‌تر از ۲۰ تا ۲۵ درصد افزایش قیمت داشته باشد.

در نیمه اول اردیبهشت‌ماه که هنوز آزادسازی قیمت آرد و گندم اعلام‌نشده بود، موج جدیدی از گرانی کالاها آغاز گردید. نه‌فقط بهای بسیاری از کالاها به روال ماه گذشته افزایش یافت، بلکه پی آمد افزایش به‌اصطلاح مرسوم سالانه بهای خدمات نیز منجر به افزایش مجدد برخی کالاها و خدمات گردید.

از اول اردیبهشت‌ماه کرایه تاکسی رسماً تا ۳۵ درصد افزایش یافت. اجاره‌بها نیز ۵ / ۵۲ درصد افزایش یافت.

بلیت قطار ۲۵ درصد، کرایه مسافران جاده‌ای ۳۰ درصد، کرایه حمل کالا ۳۵ درصد، بلیت مترو و اتوبوس‌های بی‌آرتی ۲۵ تا ۳۵ درصد افزایش یافتند. تعرفه‌های برق ۵۰ تا ۲۰۰ درصد و آب ۵۰ تا ۴۰۰ درصد افزایش یافت. قیمت هر گیگابایت اینترنت بیش از ۵ / ۳۶ درصد رشد کرد. افزایش ویزیت‌های ۶۰ تا ۷۰ هزار تومانی پزشکان، لاقال به ۱۰۰ هزار تومان رسید.

"شورای عالی بیمه سلامت، در راستای تعیین تعرفه‌های خدمات تشخیصی و درمانی ۱۴۰۱، رشد ۵ / ۲۸ درصدی تعرفه‌های پزشکی را مصوب کرد، اما سازمان نظام پزشکی، آن را امضا نکرد و بر افزایش ۶۰ درصدی تعرفه‌های پزشکی تأکید کرد" و عملاً آن را پیشبرد.

بهای داروها و خدمات درمانی در اردیبهشت‌ماه چنان افزایش یافت که نایب‌رئیس انجمن داروسازان به روزنامه خراسان گفت: "با تغییر شیوه تخصیص ارز دارو، قیمت برخی داروها ۵ تا ۶ برابر خواهد شد و در این شرایط اگر پوشش بیمه‌ای داروها از ۷۰ درصد فعلی به ۹۵ درصد نرسد، بار مالی آن روی دوش مردم خواهد بود. وی ادامه می‌دهد: جلوگیری از این اتفاق، نیازمند چیزی حدود ۷۰ تا ۱۰۰ هزار میلیارد تومان اعتبار است." گرانی دارو همچنان ادامه یافت.

اما گرانی بی‌سابقه قیمت کالاها از یازدهم اردیبهشت‌ماه به بعد رخ داد که کابینه رئیسی آزادسازی قیمت گندم و آرد را اعلام کرد. قیمت گندم و آرد موردنیاز صنایع و اصناف شش برابر شد و قیمت گندم برای نان‌های فانتزی و حجیم با رشد ۳ / ۱۳ برابری (۱۲۳۰ درصد) از ۹۰۰ تومان به ۱۲ هزار تومان رسید. تورم به نحو بی‌سابقه‌ای افسار گسیخت. بلافاصله بهای برخی کالاها نیز که تولید آن‌ها مستقیماً مرتبط با افزایش بهای آرد بود از نمونه ماکارونی ۲۰۰ تا ۳۰۰ درصد افزایش یافت. پی آمد آن هم افزایش عموم کالاها و خدمات بود که کمترین افزایش آن‌ها ۲۰ درصد و در برخی دیگر بیش از ۱۰۰ درصد بود. این افزایش در تمام‌روزهای اردیبهشت ادامه یافت و در خرداد ماه نیز

مصوب شده، در مغازه‌ها بین ۶۰ تا ۷۰ هزار تومان عرضه می‌شود. اما در واقع قیمت تخم‌مرغ کاهش نیافته بلکه از سرعت افزایش آن کاسته شده است، چراکه قیمت همین تخم‌مرغ تا ۲۱ اردیبهشت شانه‌ای ۳۰ تا ۳۱ هزار تومان بود.

همین مسئله در مورد به‌اصطلاح کاهش بهای مرغ هم صادق است. به گزارش مهر قیمت مرغ که ۵۹ هزار و ۸۰۰ تومان تصویب‌شده، در مغازه‌های سطح شهر به کیلویی ۴۰ هزار تومان رسیده است. اما همین مرغ در ۱۱ اردیبهشت، ۳۱۵۰۰ تومان بود.

علاوه بر این، گزارش مهر بهای ارزان‌ترین نوع هر کالایی را ارائه داده است که نمونه آن ارزان‌ترین برنج ایرانی است و در عین حال بسیاری از کالاهای ضروری و موردنیاز روزمره در این گزارش نیست. اگر بخواهیم تنها به یک نمونه آن اشاره کنیم افزایش لاقال ۴۰ درصدی شوینده‌ها و لوازم بهداشتی است. روز ۲۸ اردیبهشت انجمن صنایع شوینده، بهداشتی و آرایشی ایران طی نامه‌ای در فضای مجازی اعلام کرد: قیمت محصولات مختلف این صنعت از ۵۰ تا ۸۰ درصد افزایش خواهد یافت.

رئیس این اتحادیه در گفتگویی پیرامون این خبر که آیا به تأیید سازمان حمایت از مصرف‌کننده رسیده، گفت: هنوز افزایش قیمت به تأیید سازمان حمایت نرسیده؛ اما نکته جالب‌توجه این بود که وی افزود: "ما حتماً نباید تأییدیه به این صورت داشته باشیم. ما باید تمام روش‌های قیمت‌گذاری را رعایت کنیم و برای اینکه مشکلی پیش نیاید بعداً تعاملی هم با سازمان حمایت و بقیه سازمان‌ها انجام می‌دهیم و بعد از آن نرخ رسمی را اعلام می‌کنیم. ما قیمت را تعدیل می‌کنیم و بعد از آن سعی می‌کنیم آن را به تأیید برسانیم و بعد اعلام کنیم اما هم‌اکنون با توجه به اینکه مقداری بازار با کاهش مواد شوینده مواجه است اجبار پیدا کرده‌ایم که قیمتی را با همکاران در نظر بگیریم که تعدیل قیمت انجام شود تا با سازمان‌ها دیگر با نرخ جدید به تعامل برسیم.

وی در ادامه در پاسخ به این پرسش که درصد افزایش قیمت برای مواد شوینده پودری و غیر پودری که در نظر دارید، چقدر است؛ افزود: برای شوینده‌های پودری حداقل افزایش نرخ

همچنان ادامه دارد.

گزارشی را که هفته گذشته خبرگزاری مهر از بررسی وضعیت بازار کالاهای اساسی و اقلام ضروری خانوار در فاصله آخرین هفته اردیبهشت‌ماه تا هفته اول خرداد انتشار داد، نشان می‌دهد که در همین چند روز بهای کالاها گاه بیش از ۵۰ درصد افزایش یافته است. به چند نمونه آن اشاره کنیم.

بهای هر کیلو ران گوساله با افزایش ۵۵ هزار تومان به ۲۲۰ هزار تومان رسید. قیمت روغن سرخ‌کردنی یک لیتری، با افزایش ۴۹ هزار تومانی به ۶۲ هزار تومان و قیمت روغن پخت‌وپز یک لیتری، با افزایش ۵۲ هزار تومانی به ۶۶ هزار تومان رسید. قیمت پنیر لیقوان با افزایش ۹۰ هزار تومان به ۲۰۰ تا ۲۳۰ هزار تومان افزایش یافت. پنیر ۴۰۰ گرمی یواف با افزایش ۲۰ هزار تومان به ۴۰ هزار تومان، افزایش پیدا کرد.

شیر کم‌چرب ۵ / ۱ لیتری با افزایش ۸ هزار تومان به ۲۰ هزار تومان و شیر پرچرب ۵ / ۱ لیتری با افزایش ۸ هزار تومان به ۲۲ هزار تومان رسید.

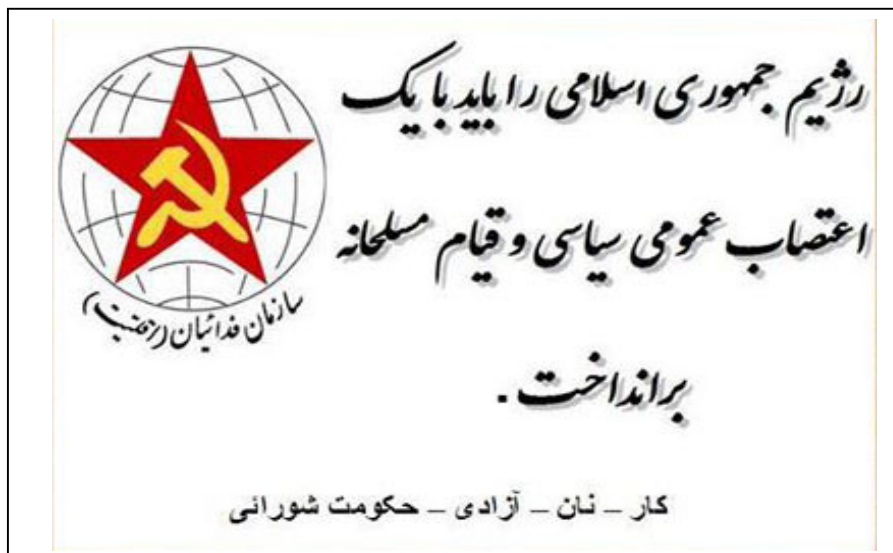
قیمت ماست سون ۲ / ۲ کیلوگرمی پرچرب با افزایش ۳۰ هزار تومانی به ۸۰ هزار تومان افزایش یافت.

بهای کره ۱۰۰ گرمی تقریباً دو برابر شد و با افزایش ۱۲ هزار تومانی به ۲۵ هزار تومان رسید. بر همین منوال افزایش ۵ هزار تومانی عدس، ۱۳ هزار تومانی لوبیا چینی، ۲ هزار تومانی پیاز، و ده‌ها کالای دیگر از نمونه برنج، قند و شکر، میوه و سبزیجات که در این گزارش نیامده‌اند.

گزارش مهر همان‌گونه که گفته شد افزایش بهای کالاها را از هفته پایانی اردیبهشت تا پایان هفته نخست خردادماه نشان می‌دهد. از همین رو به دو قلم کالایی نیز اشاره دارد که گویا قیمت آن‌ها در هفته نخست خرداد ماه کاهش یافته است و می‌نویسد:

قیمت تخم‌مرغ که ۷۶ هزار تومان در هر شانه

در صفحه ۴



گرانی بی‌سابقه و ادعاهای مرکز جعل آمار در ایران

حدود ۲۴ درصد است و برای غیر پودری‌ها نیز ۴۰ درصد است.

پوشید نیست که این افزایش قیمت‌ها همراه است با افزایش بهای پوشاک، کالاهای بادوام و حتی وسایل صنعتی به نسبت‌های مختلفی که هیچ‌یک کمتر از ۲۰ تا ۲۵ درصد نیست. با این اوصاف دیگر بی‌معناست که از افزایش بهای ۱۰۰ درصدی بیسکویت، کیک و پفک و افزایش ۲۵ تا ۵۰ درصدی بستنی و آمبیوه، نوشابه و امثالهم صحبت شود که ظاهراً جزء کالاهای فانتزی محسوب می‌شوند، یا به افزایش ۱۰۰ درصدی کنسرو ماهی و سوس و غیره اشاره شود. همین موارد که تاکنون به آن‌ها اشاره شد و قطعاً به نسبت‌های مختلف افزایش قیمت را در تمام عرصه‌ها دربر می‌گیرد، به‌وضوح جعلی بودن ادعاهای مرکز آمار را نشان می‌دهد. محال است که افزایش نرخ تورم در طول یک سال گذشته منتهی به اردیبهشت‌ماه کمتر از ۶۰ درصد و افزایش نرخ تورم اردیبهشت در مقایسه با فروردین‌ماه کمتر از ۲۰ درصد باشد.

این افزایش بهای کالاها و نرخ تورم چنان بی‌سابقه است که همین خیرگزارای مهر چند روز قبل از این در گزارش دیگری از قول یک منبع آگاه نوشت: "دو هفته پیش، هنگامی‌که مسئولین اقتصادی نظام باز تصمیم بر غافلگیری عامه مردم در آخرین ساعات نیمه‌شب گرفته و یارانه‌های کالاهای اساسی را باطل کردند، این گام بر اساس برآوردها باید باعث رشد قیمت‌ها بین بیست تا شصت درصد می‌شد، اما در حقیقت قیمت‌ها چهارتا شش برابر بالا رفته و گزارش‌ها حتی حاکی از بالا رفتن ده برابر برخی کالاها در مناطق مختلف هستند."

ببینید چقدر این تورم افسارگسیخته برای توده‌های کارگر و زحمتکش مردم فاجعه به بار آورده است که حتی یک عضو کمیسیون اجتماعی مجلس ارتجاع اسلامی نیز در گفتگو با سایت خبری رویداد ۲۴ با اشاره به افزایش قیمت ۷۰۰ کالا و خدمات تحت تأثیر آزادسازی فقط قیمت چهار کالای اساسی، مرغ، تخم‌مرغ، روغن و لبنیات، می‌گوید:

"ما یارانه‌های پنهان زیادی در کشور داریم که بخش عمده آن در صنایع مادر مثل پتروشیمی، فولاد، سیمان و... است. چرا آزادسازی قیمت‌ها از این بخش‌ها شروع نشد و چرا روندی در پیش‌گرفته شد که مستقیماً زندگی اقشار ضعیف جامعه تحت تأثیر قرار بگیرد؟" وی سپس با استناد به یک گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس می‌افزاید: "گزارش در خصوص یارانه‌های پنهان بود؛ یارانه‌هایی که سود عمده آن به جیب ثروتمندان می‌رود. به‌طور مثال، فرد فعال در صنعت فولاد، تنی ۴۱۰ تومان حقوق مالکانه به دولت می‌پردازد و اکنون فکر نمی‌کنم ما، آهن زیر تنی ۱۸ میلیون تومان داشته باشیم. یا مثلاً فرد فعال در حوزه سیمان، تنی ۲۱۰ تومان حق مالکانه به دولت پرداخت می‌کند، اما همان را ۷۵۰ هزار تومان می‌فروشد. نکته عجیب ماجرا

پیش از وقوع حادثه هشدارهای لازم را به مسئولان مربوطه داده بودند.

از جمله رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان خوزستان که گفته است: یک ماه پیش مهندس ناظر پروژه متروپل آبادان اخطاریه‌هایی در مورد وضعیت سازه پروژه به مالک و مراجع مربوطه داد. با این همه و به رغم هشدارهای داده شده در مورد غیر استاندارد بودن سازه و کار برج متروپل، از آنجا که یک طرف این پروژه شهرداری آبادان بوده و حسین عبدالباقی نیز با شهردار آبادان و استاندار و دیگر مقامات استانی و حکومتی اعم از لشکری و دیگری رابطه‌ای آلوده به فساد و رانت خواری داشته است، توانسته بدون هیچ مانع و محدودیت‌های اداری پروژه ساختن برج متروپل را پیش ببرد. درست همانند انفجارهای متعدد معادن در ایران که عموماً کارگران در روزهای پیش از وقوع انفجار، بوی گاز و نشت آن را در داخل تونل به مسئولان مربوطه اطلاع می‌دهند، اما مسئولان نالایق و بی‌توجه به جان مردم، به دلیل فساد و رانت خواری حاکم بر نظام، هشدارها را نادیده می‌گیرند. و نتیجه این بی‌توجهی به هشدار کارگران آن شده است که دست کم طی همین سال‌های اخیر ده‌ها کارگر معدن به کام مرگ رفته اند.

اکنون وجود فساد و رانت خواری در سازه و کار پروژه مجتمع تجاری متروپل آنچنان محرز است که حتا محمد مخبر، معاون اول ابراهیم رئیسی و احمد وحیدی، وزیر کشور جمهوری اسلامی نیز به آن اذعان کرده اند. محمد مخبر، روز جمعه ۶ خرداد با حضور در آبادان، اعلام کرد: "فساد

اعتراضات آبادان جلوه دیگری از جنبش‌های توده‌ای علیه رژیم

گسترده‌ای" بین پیمانکار، سازنده و دستگاه‌هایی که مجوز داشتند وجود دارد که "به وظایف خود عمل نکرده اند." احمد وحیدی نیز روز پنجشنبه ۵ خرداد طی اظهار نظری در مورد فروپاشی ساختمان متروپل آبادان گفته است: "در متروپل یک جنایت اتفاق افتاده... و کسانی که برای کسب درآمد بیشتر به راحتی با جان مردم بازی می‌کنند، به هیچ وجه قابل گذشت نیستند." اظهاراتی که اکنون دردی را دوا نمی‌کند و همانند نوش داروی بعد از مرگ سهراب صرفاً برای تبرئه نظام بیان می‌شوند.

اینکه ساز و کار برای متروپل آبادان بر بستر فساد و رانت خواری کلان حاکم بر جمهوری اسلامی به صورت غیر استاندارد قرار گرفته است، کمترین تردیدی در آن نیست. اینکه فروپاشی این برج یک جنایت عامدانه تلقی می‌شود، باز هم کمترین تردیدی در آن نیست. اما منتسب کردن این جنایت تنها به حسین عبدالباقی و تعدادی از افراد دولتی از قبیل شهردار سابق و فعلی آبادان تا غلامرضا شریعتی، استاندار سابق خوزستان، صرفاً پاک کردن صورت مسئله برای نجات جمهوری اسلامی از این مهلکه است.

مردم آبادان اما که این روزها جلوه‌ای دیگر از اعتراضات جنبش‌های توده‌ای علیه رژیم را به نمایش گذاشته اند، به درستی انگشت اتهام را به سوی جمهوری اسلامی گرفته اند. مردمی که تنها دلگرمی شان همدردی مردم شهرهای مختلف است که این روزها شجاعانه در کنار مردم سوگوار آبادان ایستاده اند.

از بحران‌ها و از جمله مهار تورم افسارگسیخته ندارد. همان‌گونه که تاکنون دیده‌ایم روزبه‌روز اوضاع وخیم‌تر می‌شود. این مردک آدم‌کشی که اکنون در رأس کابینه قرار گرفته است، ادعا داشت که نرخ تورم دورقمی سلف خود را تکرریمی خواهد کرد، اکنون اما به نظر می‌رسد که آمده است تا تورم دورقمی را سه‌رقمی بکند.

بازی مسخره او هم که گویا می‌خواهد به قصد فریب، مدتی کوتاه به گروه کوچکی از مردم فقیر و زحمتکش یارانه نقدی ۳۰۰ یا ۴۰۰ هزارتومانی به هر نفر بدهد، بیش از آن رسواست که حتی بتواند افراد ناآگاه را گمراه سازد و فریب دهد. هر کوری هم این را می‌بیند که این مبلغ حتی برای خرید دو کیلو گوشت گوساله و یا گوشت گوسفند هم کافی نیست.

توده‌های زحمتکش و تهیدستی که دو هفته پیش علیه گرانی در چندین شهر دست به شورش زدند و چندین روز با مزدوران مسلح رژیم در خیابان‌ها مقابله کردند، نشان دادند که دیگر فریب این مرتجعین را نخواهند خورد. آن‌ها پی برده‌اند که در چهارچوب نظم موجود بهبودی در وضعیت آن‌ها رخ نخواهد داد و تا سرنگونی جمهوری اسلامی که با فقر و گرسنگی، زندگی آن‌ها را تباہ کرده است، آرام نخواهند نشست.

این است که این فعالان، برق، گاز، آب و... را هم باقیمت یارانه‌ای دریافت می‌کنند. بعضاً می‌بینیم که آن‌هایی که در مناطق محروم فعالیت می‌کنند، معاف از مالیات هم هستند. همچنان پرسش اصلی من از دولت سیزدهم این است که چرا باوجود این دست یارانه‌های پنهان، برنامه اقتصادی خود را از نان مردم آغاز کردند؟"

گوئی که وی در جریان تصویب بودجه سال ۱۴۰۱ خواب بوده است. چرائی مسئله قاعدتاً نباید برکسی و ازجمله همین به اصطلاح نماینده رزن پوشیده باشد. روشن است که چاقو دست‌هاش را نمی‌برد. قرار نبوده و نیست که دولت پاسدار منافع سرمایه‌داران از سود سرمایه‌داران بزند، برعکس، تمام اقدامات اقتصادی جمهوری اسلامی علیه توده‌های زحمتکش مردم، برنامه اقتصادی سرمایه‌داران در خدمت سرمایه‌داران و افزایش سود و ثروت آن‌هاست. حتی درجایی که دولت می‌خواهد از طریق فشار به توده‌های مردم هزینه‌های خود را تأمین کند، در واقعیت تأمین هزینه‌های دستگاه دولتی است که از منافع طبقه سرمایه‌دار و نظام سرمایه‌داری پاسداری می‌کند.

البته جمهوری اسلامی حتی با فشار کمرشکن به توده‌های کارگر و زحمتکش، رامحلی برای نجات

بن بست جمهوری اسلامی در سخنان خامنه‌ای

متروپول، وی مجبور شد پیام کوتاهی منتشر کند، نه از روی میل که از روی اجبار.

او در سخنان طولانی‌اش هیچ اشاره‌ای به مسائل مهم جامعه نکرد، آن هم در دیدار با نمایندگان مجلس که طبیعتاً باید به مسائل مهم جامعه می‌پرداخت که امروز بیش از هر روزی جمهوری اسلامی در باتلاق آن‌ها فرو رفته، از تورم و گرانی و بیکاری تا بحران در سیاست خارجی و از همه مهم‌تر اعتراضات گسترده‌ی توده‌ای که نمونه دیگر آن شورش‌ها و تظاهرات دو هفته پیش در اعتراض به گرانی بود. تمام سخنان طولانی‌اش را می‌توان در یک جمله خلاصه کرد: وظیفه نمایندگان و دیگر مقامات حکومت اطاعت محض از خامنه‌ای است. او که می‌داند جمهوری اسلامی در لبه پرتگاه قرار گرفته، تمام دغدغه‌اش این است که چگونه جمهوری اسلامی به بقای خود ادامه دهد و سخنان اخیر او و نیز سخنان روزهای قبل‌تر او بیان روشن همین موضوع هستند.

او نه تنها از معضل معیشتی مردم گله‌ای نکرد که برعکس از اقدامات اخیر ابراهیم رئیسی در محروم کردن مردم از نان قدرانی نیز کرد و از همه ارکان حکومتی خواست که از این اقدامات ارتجاعی حمایت کنند. او نه از معضل کمبود آب گفت و نه از معضل آلودگی هوا و نه از فرونشست زمین، او از معضلات گسترده‌ی اجتماعی نیز که نتیجه‌ی فقر است هیچ نگفت. او نگفت که جامعه در اثر فقر چگونه به قهقرا رفته است و البته او کلمه‌ای هم برای چگونگی مقابله با همه‌ی بحران‌هایی که جامعه و حکومت را فرا گرفته بر زبان نیاورد، دلیل آن نیز روشن است: جمهوری اسلامی راه حلی ندارد. تنها دغدغه‌ی این فرمانده که مردم او را "وامانده" نامیده‌اند این بود که نباید از تریبون مجلس اختلافات حکومتی بیان شود، نباید مجلسیان در برابر خواست‌های مردم عقب‌نشینی کنند، باید طرح "صیانت از فضای مجازی" را تصویب کرد و از همه مهم‌تر اطاعت محض از فرامین "فرمانده‌ی" وامانده‌شان. هر چند که مردم شعار می‌دهند "سلام وامانده، قیرت شده آماده".

او پس از قصه‌گویی طولانی که از "آزادسازی" خرمشهر شروع شد، به تعریف و تمجید از مجلس اسلامی پرداخت و گفت: "ما گفتیم مجلس انقلابی یک عده‌ای خوششان نیامد، ولی ما حقیقت را گفتیم، حالا بعضی‌ها خوششان می‌آید بعضی‌ها خوششان نمی‌آید عیبی ندارد. حقیقت همین بود که این مجلس با شعارهای انقلاب تشکیل شد." جد از آن‌که او همیشه خودش را "اما" و نه "من" می‌نامد!! اشاره او به دیدار ماه گذشته‌اش با "دانشجویان عدالتخواه" بود که از خامنه‌ای خواستند به این مجلس "مجلس انقلابی" نگوید.

او پس از "انقلابی" نامیدن مجلس دزدان و فاسدان و جانپان، شروع به پیچاندن گوش نمایندگان کرد که حواس‌شان باشد که باید از "فرمانده‌ی وامانده‌شان" اطاعت محض داشته باشند. او از مجلسیان خواست تا قوانینی را تحت فشار مردم تصویب نکنند که جمهوری اسلامی "قادر" به عمل به آن نباشد. او گفت: "گاهی آدم

میداند که این قانون را دولت با این امکاناتی که دارد، با این شرایطی که دارد، نمیتواند عمل کند؛ می‌گوید خیلی خوب، من تصویب میکنم، بگذار او عمل نکند، مردم او را متهم کنند، او را مسئول به حساب بیاورند که چرا عمل نشد. نه، این درست نیست." منظور "فرمانده وامانده" را بدون پرده پوشی می‌توان این گونه فهمید: به خواست معلمان، بازنشستگان و کارگران برای داشتن حداقل‌های مورد نیاز انسان تن ندهید، برای نمونه خواست معلمان شاغل و بازنشسته برای اجرای رتبه‌بندی و همسان سازی. خامنه‌ای در واقع با این جملات گفت که مجلس باید در این رابطه در کنار کابینه ایستاده و یک صدا با خواست معلمان مخالفت کند.

او در ادامه با حماقتی که درخور همان "فرمانده وامانده" است، مردمی بودن را نه تمکین و برآوردن خواست مردم که ایستادن در برابر مردم معنا کرد، او گفت: "فرض کنید فلان قشر یک مطالبه‌ای دارد، خب شما نماینده‌ی مجلسید، از مصرف کشور و درآمد کشور مطلعید، میدانید که این عملی نیست؛ وقتی میدانید عملی نیست، منتظر نمانید که مثلاً فلان نماینده‌ی اجرائی یا قضائی بیاید بگوید نمیتوانیم؛ نه، شما بگویید نمیشود... ممکن است در آن جمعی که مقابل شما هستند، دو نفر، سه نفر، ده نفر جماعتی هم بگویند «برو بابا! این هم کاری نکرد!» بگویند. شماها بایستید. به وظیفه‌ی خودتان عمل کنید. مردمی بودن یعنی این!!! و ادامه می‌دهد: "همراهی با مردم، غیر از عوام‌زدگی و جَوزدگی و تحت تأثیر های و هو قرار گرفتن است؛ نه. یکی از مهم‌ترین خصوصیات امام همین بود؛ اگر یک وقتی یک نظری داشت که همه با او مخالف بودند و او معتقد بود که این نظر، نظر الهی و شرعی و درست است، می‌ایستاد؛ میگفت همه‌ی دنیا [هم] با من مخالف باشند، باشند. قرآن هم همین دستور را به پیغمبر میدهد".

او سپس بدون نام بردن از طرح "صیانت از فضای مجازی" یعنی همان طرح محروم کردن مردم از آزادی در شبکه‌های اجتماعی که بسیار مورد علاقه وی است، گفت: "شما یک قانونی تنظیم میکنید، روی آن کار میکنید، مطالعه میکنید، با سر و صدا و هیاهو تصویب میکنید اما به مردم توضیح نمیدهید که این قانون چیست و چرا تصویب شده. خب وقتی توضیح نمیدهید، یک عده‌ای فرصت پیدا میکنند علیه آن قانون بنا کنند جوسازی کردن، هیاهو کردن و شما را از تصویب این قانون پشتیبان کنند... اینکه در سایتها و در فضای مجازی و مانند اینها علیه ما، علیه مجلس، علیه این مجموعه، علیه این قانون جنجال کنند، نباید شما را به زانو در بیاورد؛ یکی از خصوصیات نماینده‌ی انقلابی این است".

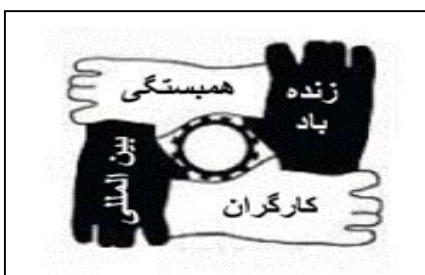
خامنه‌ای در بخش دیگری از سخنان‌اش به موضوع دامن زدن به اختلافات وارد شده و گفت: "یکی از مشکلات کشور ناهماهنگی بوده؛ ناهماهنگی مسئولان سه قوه و بدنه‌ی سه قوه. حالا گاهی مسئولان هم با هم رفیقند، می‌نشینند دور هم و توافق میکنند، بدنه توافق نمیکند؛ این اشکال ایجاد میکند در اداره‌ی کشور... همکاری

صمیمانه وجود داشته باشد؛ گروکشی نباید وجود داشته باشد؛ معارضه‌ی بی‌معنا نباید وجود داشته باشد. همکاری صمیمانه با دولت، با دستگاه قضائی، با دیگران". و در ادامه مجلسیان را این‌گونه توبیخ می‌کند: "یکی از چیزهایی که نشانه‌ی نماینده‌ی انقلابی نیست، عبارت است از نطقهای اعتراضی پرشور میان‌برنامه؛ این نطقهایی که آقایان میکنند. اینکه یک نفر بایستد آنجا بنا کند اعتراض کردن، این اصلاً علامت انقلابی بودن نیست؛ علامت انقلابی بودن اینهایی است که عرض کردیم و چیزهایی از این قبیل. اعتراض کردن و عصبانیت به خرج دادن و مانند اینها، اینها علامت انقلابی بودن نیست". او همچنین به نمایندگان مجلس دستور می‌دهد که قانونی وضع نکنند که کابینه مخالف آن است و در انتصاب فرماندار، استاندار و مدیرکل از سوی کابینه "نیاید دخالت کنید".

در انتها نیز به نمایندگان مجلس بی‌رودربایستی می‌گوید شما آنچه من تصمیم گرفته‌ام باید به صورت قانون درآوردید و نه غیر از آن. او گفت: "سیاستهای کلی طبق قانون اساسی به رؤسای سه قوه یعنی به سه قوه ابلاغ میشود؛ این سیاستهای کلی نظام اسلامی به دولت، به مجلس، به قوه قضائیه ابلاغ میشود که هر کدام وظایفی در قبال اینها دارند؛ وظیفه‌ی مجلس این است که قانونگذاری را منطبق با این سیاستها انجام بدهد؛ معارض با این سیاستها نباشد".

همان‌طور که در ابتدای مقاله نیز آمد و سخنان خامنه‌ای آن را به وضوح نشان داد تمام سخنان وی چیزی جز این نبود که برای حفظ حکومت اسلامی همه مقامات از بالا تا پایین گوش به فرمان او بوده و کاملاً یکدست در برابر مردم و خواست آن‌ها برای تغییر بایستند. اما واقعیت‌ها چیزی نیست که با سخنان وی تغییر کند.

واقعیت این است که یکی از نتایج بحران سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که در ابعاد وسیع جامعه را فرا گرفته، افزایش شکاف در دولت و طبقه حاکم است. این شکاف با تعمیق بیشتر بحران بیشتر نیز خواهد شد، بویژه با گسترش اعتراضات و سرتاسری شدن آن. خامنه‌ای و امثال آن نمی‌توانند با فرمان، واقعیت‌هایی که ریشه‌هایی عمیق دارند تغییر دهند. واقعیت غیرقابل تردید این است که طبقه حاکم قادر به ادامه حکومت به شکل کنونی آن نیست. می‌توان در برابر سیر تحولات تاریخ موانعی ایجاد کرد تا آن را به تاخیر انداخت، اما نمی‌توان آن را متوقف ساخت. امروز اما بحران آن‌چنان عمیق گردیده که ضرورت تغییر خود را حتا در میان طبقه حاکم انعکاس داده است. سخنان خامنه‌ای در دیدار با نمایندگان مجلس اسلامی نیز چیزی نبود جز بیان بن‌بست جمهوری اسلامی و ناتوانی آن در مقابله با بحران‌هایی که ضرورت تغییر را آشکار ساخته‌اند.



سناریوسازی، سرکوب و تکان‌های ناگزیر اجتماعی

سرکوب کارگران و تشکل‌های مستقل کارگری و صنفی را پایان دهند و به‌حق پایه‌ای آزادی تشکل صنفی و کارگری طبق مقاله نامه‌های جهانی ۹۸ و ۸۷ و "بیانیه اصول و حقوق بنیادین در کار" احترام بگذارند و این حقوق را رعایت و اجرایی نمایند. علاوه بر هیئت‌های نمایندگی شرکت‌کننده در اجلاس سازمان بین‌المللی کار که چند بار مورد خطاب قرار گرفته‌اند، در این نامه سرگشاده، به‌طور مشخص از هیئت‌های کارگری شرکت‌کننده در اجلاس سالانه سازمان جهانی کار نیز خواسته شده است موارد فوری زیر را به‌صورت ویژه در دستور کار اجلاس قرار داده و در راستای تصویب و اجرایی کردن آن‌ها تمام تلاش خود را به کاربندند:

(الف) رفع فوری و بی‌قیدوشرط تمامی اتهامات منتسب شده به‌تمامی فعالین صنفی محبوس در ایران و آزادی تمام دستگیرشدگان.

(ب) ملزم کردن دولت ایران به احترام به حقوق بنیادین کارگران و معلمان و مزدبگیران در زمینه آزادی ایجاد و یا پیوستن به تشکل مستقل صنفی و کارگری، احترام و رعایت حق آزادی بیان و حق تجمع مسالمت‌آمیز بدون بیم و هراس از دخالت نیروهای امنیتی.

(ج) بررسی و اقدام در مورد اعزام هیئتی بین‌المللی تحت هماهنگی گروه کارگری سازمان جهانی کار و فدراسیون‌های بین‌المللی اتحادیه‌ای، جهت بررسی شرایط نیروی کار در ایران، نشست با تشکل‌های مستقل صنفی و دیدار از فعالین صنفی زندانی در ایران و خانواده‌های آن‌ها.

(د) تقاضای اخراج نمایندگان دولت ساخته‌ی ایران از هیئت‌مدیره سازمان جهانی کار و عدم حمایت از انتخاب مجدد آن‌ها در این هیئت‌مدیره به دلیل نقض مداوم مقاله نامه‌های بین‌المللی و عدم پاسخگویی نسبت به سرکوب مداوم تشکل‌ها و فعالین اتحادیه‌ای و صنفی در ایران.

صرفنظر از تلاش‌ها، ضوابط درونی و حدود اختیارات سازمان جهانی کار، باید به این نکته توجه داشت که نقش اصلی و تعیین‌کننده در مناسبات درونی و تصمیمات این سازمان در دست سرمایه‌داران است. چراکه هیئت‌های نمایندگی ۴ نفره از کشورهای عضو این سازمان که در اجلاس‌های سالانه شرکت می‌کنند، شامل ۲ نفر نماینده دولت، یک نفر نماینده کارفرمایان و یک نفر نماینده کارگران است. البته هر نماینده می‌تواند ۲ نفر را نیز به‌عنوان مشاور همراه داشته باشد. اگر کارگران حاضر در هیئت‌های نمایندگی، کارگزار دولت و سرمایه‌داران نباشند (مانند آنچه در جمهوری اسلامی هست) و واقعاً نماینده کارگران کشورهای عضو باشند، تازه در آن حالت، ترکیب هیئت نمایندگی ۳ به ۱ به نفع سرمایه‌داران است. نیازی به توضیح نیست که نظر و تصمیم چنین هیئتی، نظر و تصمیم سرمایه‌داران است. افزون بر این، سازمان جهانی کار برای کنترل رعایت تعهدات کشورهای عضو و اجرای مقاله نامه‌های این سازمان نیز به فرض اینکه چنین اراده‌ای برای کنترل وجود داشته باشد، فاقد ابزار و قدرت اجرایی است و

نمی‌تواند کشورها را وادار به اجرای مقاله نامه‌های این سازمان کند بلکه در بهترین حالت چنانکه مکرر شاهد بوده‌ایم، می‌تواند اجرای مقاله نامه‌های خود را به دولت کشور عضو (از نمونه جمهوری اسلامی) توصیه کند. در سال‌های گذشته نیز علی‌رغم وجود شواهد و اسناد کافی در زمینه نقض حقوق اولیه کارگران و معلمان که در سازمان جهانی کار به رسمیت شناخته شده، اما این سازمان به مامشات با جمهوری اسلامی پرداخته و یک گام عملی حتی در جهت اجرای موازین معیارهای خود و برآورده ساختن خواست‌های حقوقی کارگران برنداشته است. همین سه سال پیش و در آستانه یکصد و هشتمین اجلاس سالانه سازمان جهانی کار، کارگران مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه در نامه سرگشاده‌ای (مورخ ۱۵ خرداد ۹۸) به سازمان جهانی کار، ضمن اشاره به احضار و بازداشت و آزار و شکنجه ده‌ها تن از کارگران این شرکت از جمله بازداشت و شکنجه اسماعیل بخشی، سپیده قلیان و علی نجاتی از نقض حقوق بدیهی کارگران در زمینه ایجاد تشکل مستقل کارگری و نقض آشکار حقوق بنیادین کار شکایت نموده و خواهان آن شده بودند که سازمان جهانی کار به این شکایت رسیدگی کند. اما این سازمان هیچ‌گونه اقدام عملی جدی انجام نداد. اسماعیل بخشی هنوز به سرکار بازنگشته و سپیده قلیان نیز همچنان زندانی و زیر شکنجه است.

بنابراین کسی نباید انتظار داشته باشد که هیئت‌های نمایندگی کشورهای عضو سازمان جهانی کار با خود این سازمان، به فرض جمهوری اسلامی را به‌طور جدی تحت فشار قرار دهند یا گرهی از مشکلات کارگران و معلمان باز کنند. در عالم واقعی نیز دولت‌ها و کشورهای عضو سازمان جهانی کار یا هیئت‌های نمایندگی این کشورها عموماً نسبت به این‌گونه

درخواست‌ها بی‌اعتنایی و بی‌توجهی می‌کنند. تا همین لحظه نیز اوضاع بر همین منوال بوده است.

اگر که خواست‌های مطرح‌شده در نامه سرگشاده اخیر معلمان و کارگران خطاب به هیئت‌های نمایندگی شرکت‌کننده در نشست سالانه سازمان جهانی کار مورد استقبال این هیئت‌ها و دولت‌های عضو قرار نمی‌گیرد و این بدیهی است، در عوض اما این خواست‌ها در ابعاد بسیار گسترده‌ای از سوی کارگران و اتحادیه‌های کارگری مورد استقبال قرار گرفته است. نامه سرگشاده معلمان و کارگران آنجا که به‌طور مشخص "هیئت‌های کارگری" شرکت‌کننده در اجلاس سازمان جهانی کار را مورد خطاب قرار داد، هدفگیری درستی کرد. هیئت‌های کارگری همراه اتحادیه‌های کارگری کشورهای مختلف به‌ویژه کشور سوئیس و فرانسه، هر ساله، در روزهای برگزاری اجلاس سالانه سازمان جهانی کار، در مقابل دفتر مرکزی این سازمان در ژنو تجمعات اعتراضی برپا می‌کنند و در سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و جلسات تبلیغی خود بر ضرورت رعایت حقوق پایه‌ای کارگران به‌ویژه در کشورهای عضو این سازمان تأکید می‌کنند. در این تجمعات، ضمن افشای بسیاری از اقدامات ضد کارگری جمهوری اسلامی از جمله نقض آشکار حقوق پایه‌ای کار، از کارگران و فعالان و تشکل‌های کارگری و حق آن‌ها برای ایجاد تشکل مستقل حمایت می‌کنند و در همان حال همبستگی عمیق خود را با کارگران و زحمتکشان و تشکل‌های کارگری در ایران اعلام می‌کنند. با این اقدامات، موج بزرگی در جلب افکار عمومی نسبت به تضییع فاحش حقوق کارگران و زحمتکشان، از جمله نسبت به اعمال فشار و سرکوب کارگران و معلمان و فعالان این عرصه، ایجاد می‌کنند و در واقع از این طریق جمهوری اسلامی را زیر فشار و مورد مؤاخذه قرار می‌دهند.

بنابراین قبل از هر چیز باید برای جلب حمایت کارگران، اتحادیه‌های کارگری و افکار عمومی

در صفحه ۷



سناریوسازی، سرکوب و تکان‌های ناگزیر اجتماعی

ساختند. با این اعتصاب که در متن اعتراضات خیابانی در شهرهای مختلف سازمان‌دهی شد، گام مهم دیگری در راستای پیوند اعتصابات کارگری و جنبش اعتراضی توده‌ای برداشته شد. صحبت از پیوند اعتصابات کارگری و جنبش اعتراضی توده‌های شهری است که اولاً از نیازها و ضرورت‌های گسترش مبارزات فعلی است و ثانیاً برای رژیم حاکم هلاکت بار است. پس اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد و فعالان این سندیکا نیز می‌بایستی جزء دیگری از سناریوی وزارت اطلاعات می‌بودند. دستگیری‌ها و زندان و پرونده‌سازی نیز می‌بایستی شامل هردو بخش می‌شد که شد.

چراغ اول و دوم این تیپ مبارزات روشن‌شده است. چراغ سوم و چراغ‌های بعدی که نویدبخش گسترش این تیپ اعتصابات است که پیوند کارخانه و خیابان را تسریع می‌کند نیز روشن خواهند شد.

گرچه ارتجاع حاکم از تشدید سرکوب و کاربست انواع ترفندها از جمله سناریوهای ساختگی علیه کارگران، معلمان و سایر افسران زحمتکش جامعه دست برنمی‌دارد، اما این ترفندها و تلاش‌های مذبوحانه نعتنها راه به‌جایی نمی‌برد بلکه رسوایی، بن‌بست و زبونی رژیم را آشکارتر می‌سازد. بحران‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی روزبه‌روز عمیق‌تر شده‌اند. سیاست‌های حکومتی و گرانی روزافزون و فشارهای طاقت‌فرسای معیشتی، کار را به استخوان رسانده است. اوضاع سیاسی جامعه به‌شدت ملتهب است. تلاطمات و بی‌قراری اجتماعی و تشدید تضادها همچنان در حال افزایش است. در شرایطی که جامعه بی‌قرار هر بار با انفجار و تکانه‌ای در این یا آن شهر و این یا آن مؤسسه و کارخانه، به‌ظاهر آرام می‌گیرد، در عمق جامعه اما این تلاطمات فشرده‌تر و متراکم‌تر می‌شود. هیچ سناریو و هیچ درجه‌ای از قلدری و سرکوب قهری نمی‌تواند مانع بروز تکان‌های بزرگ و ناگزیر اجتماعی شود که ارتجاع حاکم نیز از هم‌اکنون خطر آن را احساس کرده است.

اعتراضی و تشکل‌های مستقل معلمان حتی یک‌لحظه متوقف نشده است. ده‌ها تن از فرهنگیان و اعضای تشکل‌های صنفی معلمان بازداشت و روانه زندان شدند. اما هیچ‌یک از این اقدامات سرکوب‌گرانه، معلمان مبارز و زحمتکش را از ادامه مبارزه باز نداشت. سرکوب‌های قبلی جواب نداد و این بار رژیم با سناریوی ساختگی و توطئه وارد میدان شد. سناریوسازی بر پرونده‌سازی افزوده شد تا رژیم از معلمان و شورای هماهنگی و فعالان تشکل‌های صنفی معلمان که گام‌های بسیار بزرگ و مهمی در راستای سازمان‌دهی توده معلمان حول یک‌رشته خواست‌های سیاسی و اقتصادی برداشته بود، انتقام‌جویی کند. خصوصاً آنکه شورای هماهنگی با اقدام آگاهانه خود در اول ماه مه (پایزده اردیبهشت سال جاری) ضمن حمایت از کارگران، با اعلام تجمع سراسری همراه و همزمان با کارگران در اول ماه مه، گام بسیار مهمی در راستای اتحاد میدانی کارگران و زحمتکشان نیز برداشت. ارتجاع حاکم از ناحیه تداوم و تکرار این تیپ مبارزات که بخواهد مسیر اتحاد و پیوند مبارزات توده‌ای و جنبش کارگری را فراهم سازد، به‌شدت احساس خطر کرد. وقتی‌که با شیوه‌های سرکوب قبلی نتوانسته بود تشکل‌های مستقل و مبارزه‌متشکل معلمان را از میدان خارج کند، به سناریوسازی علیه آن‌ها متوسل شد.

اما فقط این نبود. فقط مبارزه متشکل معلمان نبود. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و فعالان این سندیکا که بارها و بارها از اعتراضات خیابانی و تجمعات سراسری معلمان حمایت کرده بودند، با اعتصاب قدرتمند روزهای ۲۶ و ۲۷ اردیبهشت سال جاری، ضربه محکم دیگری بر رژیم وارد

نیرو گذاشت. در یک هفته اخیر چندین کنفدراسیون و اتحادیه بزرگ کارگری از کشورهای مختلف با صدور بیانیه و ارسال نامه به مقامات جمهوری اسلامی، اعمال فشار علیه فعالان کارگری و سندیکایی و بازداشت اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد و اعضای تشکل‌های مستقل معلمان را محکوم نموده، خواستار آزادی فوری بازداشت‌شدگان و همچنین اجرای مقوله نامه‌های سازمان جهانی کار شده‌اند. اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا (CCUPE)، کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری نیروژ (L.O.) به نمایندگی از ۹۷۰ هزار کارگر، کلکتیو چند اتحادیه فرانسوی شامل؛ کنفدراسیون عمومی کار (CGT)، کنفدراسیون متحده سندیکایی (F.S.U.)، اتحاد سندیکایی همبستگی (Solidar)، اتحاد ملی سندیکاهای مستقل (UNSA)، سندیکاهای کارگری سوئد (L.O.)، کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری اسپانیا (CCOO) موسوم به "کمیسون‌های کارگران" با بیش از یک‌میلیون عضو، خواهان پایان بازداشت و ارباب و زندان فعالان کارگری و فعالان تشکل‌های مستقل معلمان از جمله اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد و شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران شده‌اند. روند حمایت کارگران و تشکل‌های کارگری و اتحادیه‌ای کشورهای جهان از کارگران، معلمان و سایر فعالان اجتماعی ایران همچنان ادامه دارد.

تهدید و سرکوب و زندان و اعمال شکنجه از حربه‌های اصلی و همیشگی ارتجاع حاکم علیه فعالان کارگری و سندیکایی و فعالان دیگر جنبش‌های اجتماعی بوده است. ارتجاع حاکم اما به این اکتفا نکرده است و به اتهام زنی، پخش اکاذیب و بهتان و پرونده‌سازی و سرانجام سناریوهای ساختگی و اعترافات اجباری نیز متوسل شده است. پرسش این است که چرا جمهوری اسلامی دوباره به سناریوسازی علیه معلمان و کارگران روی آورده است؟

این واقعیت برکسی پوشیده نیست که جنبش اعتراضی معلمان طی دو سال اخیر، گام‌های بسیار بلندی به جلو برداشته است. "شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران" در این دوره، چندین اعتصاب و تجمع سراسری را سازمان داده است. تنها در سال ۱۴۰۰ پایزه اعتصاب و تجمع در مقیاس تمام کشور برگزار نموده که معلمان از ۱۰۰ شهر و گاه بیشتر در این اعتراضات حضور داشته‌اند. جنبش اعتراضی معلمان به لحاظ کثرت شمار بیشتری از معلمان به مبارزه، انسجام بهتر شعارها و خواست‌ها و از لحاظ تشکل‌یابی آشکارا رشد و ارتقا یافته است. "شورای هماهنگی" به تشکل سراسری مورد اعتماد و محبوب معلمان تبدیل شده است. تنها در یک سال گذشته، صدها معلم در سراسر کشور به مراکز امنیتی و سرکوب احضار و مورد تهدید و بازجویی قرار گرفته‌اند. هزاران پیامک تهدیدآمیز برای منع معلمان از حضور در تجمعات اعتراضی ارسال شده است. پرونده‌سازی‌های امنیتی علیه فعالان جنبش



سناریوسازی، سرکوب و تکان‌های ناگزیر اجتماعی

چنین اعلام شد که "در حال شکل‌دهی به اعتراض و ناآرامی" بوده‌اند، اما این ادعا و سناریوی دستگاه امنیتی چنان مسخره و بچه‌گانه بود که نه فقط کمترین حقیقتی را برای سناریو سازان ایجاد نکرد بلکه با انزجار و نفرت شدید و بایکوت گسترده مردم ایران روبرو شد. کارگران و معلمان البته علیه این سناریو سازان اعتراض نموده و در همین رابطه نامه سرگشاده اعتراض‌آمیزی را به شرکت‌کنندگان در یک‌صد و دهمین اجلاس سالانه سازمان جهانی کار (ژنو، ۲۷ ماه مه الی ۱۱ ژوئن ۲۰۲۲) نوشتند. در این نامه ضمن اشاره به سرکوب و بازداشت گسترده فعالان جنبش معلمان و فعالان

جنبش کارگری و سناریوی کاذب و پوشالی وزارت اطلاعات، از هیئت‌های نمایندگی شرکت‌کننده در اجلاس خواسته شده؛ سرکوب تشکل‌های مستقل صنفی معلمان و کارگران و اعضای آن‌ها توسط دولت ایران را محکوم کنند، اعتراض خود را نسبت به این اقدامات سرکوبگرانه به هیئت نمایندگی دولت ایران که در اجلاس حضور دارند اعلام کنند و از دولت ایران بخواهند که اقدامات لازم برای آزادی فوری و بی‌قید و شرط تمام معلمان دستگیر شده، فعالین کارگری بازداشتی و معترضان بازداشت‌شده، را در دستور کار قرار بدهند تا در صفحه ۶

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<https://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

kar.fadaianaghaliyat

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 972 May2022



shora.tv@gmail.com

تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

اطلاعیه تلویزیون دموکراسی شورایی و آلترناتیو شورایی بینندگان تلویزیون دموکراسی شورایی، رفقا و همراهان

بدین‌وسیله به اطلاع شما می‌رسانیم که تلویزیون دموکراسی شورایی از تاریخ جمعه نهم مهرماه ۱۴۰۰ برابر با اول اکتبر ۲۰۲۱ کانال ماهواره‌ای ۲۴ ساعته تلویزیون آلترناتیو شورایی، کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست بر روی ماهواره یاه ست آغاز به کار خواهد کرد و تلویزیون دموکراسی شورایی به همراه تلویزیون‌های، برابری، پرتو و حزب کمونیست ایران/ کومله برنامه‌های خود را بر روی این کانال ماهواره‌ای پخش خواهد کرد. برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی را همچنین می‌توانید در سایت سازمان فداییان (اقلیت) و شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک و تلگرام و اینستاگرام و یوتیوب نیز دنبال کنید. از تاریخ نهم مهرماه برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی روزانه به مدت ۹۰ دقیقه خواهد بود و ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی بدین قرار می‌باشد روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت شش و نیم شب به وقت ایران و در روزهای سه‌شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم عصر تا هشت شب به وقت ایران برنامه‌های خود را از ماهواره یاه ست پخش می‌کند.

مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی در ماهواره یاه ست؛ بدین قرار خواهد بود:

فرکانس 12594 - پولاریزاسیون ورتیکال یا عمودی - سمبول ریت 27500 - FEC: ۳/۲

مشخصات جدید تلویزیون دموکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید.

مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی

Alternative Shorai

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical / عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

آدرس ایمیل: shora.tv@gmail.com

شماره تلفن: ۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

<https://fadaian-minority.org> ، <https://tvshora.com>

فیس‌بوک: Shora shora، تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی